



بیت المال از دیدگاه شیعه

پدیدآورده (ها) : حقانی، حسین

فلسفه و کلام :: درسهایی از مکتب اسلام :: بهمن 1369، سال 30 - شماره 10
از 62 تا 67

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/50970>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 22/07/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بیت المال از دیدگاه شیعه



در مقالات گذشته راجع به عقیده اهل سنت در مورد بیت المال مطالبی گذشت حال بسیار بجا و مناسب است که اصطلاح "بیت المال" که در متون فقهی در موارد متعددی در بیان احکام شرعی ذکر شده از دیدگاه شیعه و فقهاء اسلام نیز بررسی گردد.

بنظر می رسد بیت المال به معنای خزانه دولتی و حکومتی و منابع مالی برای مصرف مصالح عمومی جامعه اسلامی می باشد و از جمله این مصالح عمومی، پرداخت حقوق کارکنان دولتی در سطح وسیع و گسترده اداره جامعه اسلامی و حتی در برخی از موارد مشاغل مذهبی و هرآنچه که در امور اجرائی مملکتی کسانی باشند که خدمات به جامعه عرضه می دارند همه و همه داخل در بیت المال هستند و حتی تمامی مصالح جامعه را که برای آنها منبع مالی خاصی در نظر گرفته نشده و یا منبع مربوطه از عهده تامین تمام هزینه های لازم آن برنیاید در برمی گیرد.

مثلاً مرحوم شهید اول در متن لمعه ج ۳ / ۷۱ باب قضاء می نویسد: " یجوز ارتزاق القاضی من بیت المال مع الحاجه " (برای قاضی جایز است در صورت نیاز از بیت المال ارتزاق کند) و مرحوم شهید ثانی در ذیل این عبارت در توضیح آن می نویسد: " لان بیت المال معد للمصالح و هو من اعظمتها " (زیرا بیت المال برای مصالح عمومی جامعه اسلامی قرار داده شده و ارتزاق قاضی از بیت المال از مهمترین آنها می باشد)

سپس شهید اول از موارد دیگری که می توانند از بیت المال اخذ کنند با این عبارت نام می برد والمترزقة من بیت المال المؤمن و القاسم و الکاتب للامام او

لضبط بيت المال او الحجج و نحوها من المصالح و معلم القرآن و الاداب و صاحب الديوان و والى بيت المال..."

(از جمله کسانی که می توانند از بیت المال ارتزاق کنند عبارت اند از مؤذن و کسی که حقوق و اموال بیت المال را از جانب امام و پیشوای وقت بین صاحبانشان تقسیم می کند و منشی امام وقت یا نویسنده اموال بیت المال یا نویسنده ادله دو طرف متخاصم در دادگاهها) و نحو اینها از مصالح عمومی از قبیل حقوق معلم قرآن و معلم ادبیات عرب که فهم قرآن بآن مربوط است و معلم اخلاق و غیر آن مثل صاحب دیوان یعنی کسی که ضبط تعداد قضاة و سپاهیان و ارزاق آنان بدست او انجام می گیرد و نیز متولی حفظ بیت المال یعنی کسی که بیت المال را حفظ و ضبط و آنرا در موارد خویش مصرف می کند)

از عبارت مرحوم شهیدین در لعمه به صراحت استفاده می شود کسه اولای بیت المال منابع مالی و حقوقی است که باید در مصالح عمومی مصرف گردد و ثانیاً چند مورد از مصالح عمومی را یادآور می شوند که ذکر شد.

مرحوم محقق حلی متوفای ۶۷۶ هجری در کتاب "المختصر النافع فی فقه الامامیه" در باب قصاص ص ۳۱۵ چاپ بغداد می نویسد:

خطأ الحاکم فی القتل و الجرح علی بیت المال" (اگر قاضی در حکم به قتل و جرح، مرتکب خطائی شد دیه مقتول و مورد جراحت که توسط حاکم شرع و قاضی واقع شده از بیت المال تامین می گردد)

و مرحوم محقق حلی در جای دیگر در باب قصاص در همین کتاب می نویسد:
 " اما من جهل قاتله کقیل الزحام و الفرعات و من وجد فی فلاة او فی معسکر " او سوق او جمعة فدیته فی بیت المال " " اگر قاتل یک فرد معلوم نباشد مثل مقتولی که در میان اذحام جمعیت و در میان آشوب ها پیدا شود و یادر بیابانی یا در اردوگاه سپاه یا در بازار مسلمین و یا در محل نماز جمعه و غیر آن یافت گردد دیه این مقتول از بیت المال به صاحبان آنها پرداخت می گردد.

از عبارات بالا و نظیر این عبارات در ابواب مختلف فقه از فقهای بزرگ شیعه استفاده می شود که بیت المال بعنوان یک منبع عمومی درآمد مسلمین و مصرف آن در مصالح مسلمین در اسلام و نظام اسلامی پیش بینی شده است.

تنها یک معنی در بیت المال مبهم بوده و مشخص نیست و آن اینکه منابع

مالی و سرچشمه درآمد بیت المال از کجا است و چگونه است؟ زیرا آنچه موجب ابهام در این مورد گردیده و یا لاقط موجب زیادی ابهام در بیت المال شده این است که تمام وجوه شرعی از قبیل زکات و خمس و فیه و انفال که از منابع مهم و اصلی مالی اسلام می باشند دارای موارد مصرف مشخص و دارای مالک معین و ذی حقی است و باید در آن موارد به خصوص مصرف گردند و عنوان مصالح عمومی جامعه از جمله این موارد نام برده نشده است از اینجا این سؤال مطرح می گردد پس منابع درآمدی بیت المال که باید در مصالح عمومی جامعه مصرف گردد از دیدگاه اسلام و فقه و فقهاء کدام ها می باشند؟

اینجا است که در میان فقهاء بزرگ شیعه اختلافاتی پیش آمده و برای تأمین اعتبار مالی مربوط به بیت المال نظرات گوناگون فقهی ابراز شده است.

نظرات گوناگون در منابع بیت المال

از جمله آنها این است که یکی از مواردی که زکوه باید در آن مورد مصرف گردد مورد " سبیل الله" است که در قرآن آیه ۶۰ سوره توبه بیان شده است معنای سبیل الله یعنی راه خدا یعنی هر آنچه را که مصرف آن مورد رضای خدا باشد شامل می گردد از جمله مصالح عمومی جامعه و خدمات اجتماعی و غیر آن و این یکی از منابع درآمدی بیت المال است.

گرچه از عبارات عده ای از فقهاء قداما شیعه استفاده می شود که مراد از سبیل الله که از موارد مصرف زکوه است مجاهدان و سربازان و بطور کلی مصالح مربوط بجهاد است چنانکه ابن جنید بنقل از علامه در مختلف ج ۲ / ۱۰ و مرحوم محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی معروف به صدوق متوفای ۳۸۱ هـ در ج ۲ / ۳ در من لایحضره الفقیه باب زکوه در ذیل روایت زراره و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می کند که از موارد زکوه از آن حضرت سؤال کردند فرمود "سبیل الله الجهاد" یعنی " مراد از سبیل الله جهاد است .

و نیز مرحوم مفید در مقنعه / ۳۹ و مرحوم سلار در مراسم / ۳۳ از قداما و مرحوم مجلسی اول در روضه المتقین ج ۳ / ۸ از متاخرین همین معنی را مورد تأیید قرار می دهند .

ولکن جمع کثیری از فقهاء متاخر و عده ای از قدما، متقدم صریحا فتوی داده اند که مورد مصرف سهم سبیل الله " مصالح عمومی جامعه اسلامی است چنانکه شیخ الطائفه ابی جعفر (ره) در مبسوط ج ۲ / ۷۵ در فصل " اقسام غزاه " می نویسد: "... کل ذلك من بيت المال من اموال المصالح و كذلك رزق الحكام ... فانهم يعطون المصالح و المصالح تخرج من ارتفاع الاراضي المفتوحة عنده و من سهم سبیل الله "

" تمام مخارج جنگجویان و مصارف مالی مربوط به جنگ و وسائل جنگی و مخارج حکام شرع و والیان و غیر اینها همه آنها از بیت المال که اموال مخصوص مصالح عمومی جامعه است تامین می گردد و از جمله منابع تامین بیت المال نیز عایدات اراضی مفتوح عنوة و سهم سبیل الله از موارد زکوة است .

مرحوم شیخ طوسی بدنبال عبارت بالا در همین کتاب اضافه می کند: " و من جملة ذلك مما يلزمه فيما يخصه من الانفال و الفیء و هو جنایات من لا عقل له و دية من لا يعرف قاتله و غیر ذلك ... " و از جمله مواردی که باید در مورد آنها از بیت المال استفاده کرد جنایاتی است که توسط یک فرد دیوانه پدید می آید و نیز پرداخت دیه، مقتولی که قاتل آن معلوم نیست همه آنها از بیت المال انجام می گیرد و منابع تامین بیت المال نیز می تواند درآمد مربوط به انفال و فئی باشد "

و مرحوم راوندی نیز در فقه القرآن ج ۱ / ۲۲۷ در باب زکوة می نویسد فی سبیل الله " یعنی الجهاد بلاخلاف و یدخل فيه عند اصحابنا جميع مصالح المسلمين و هو قول ابن عمر و عطا و به قال بلخی " " سبیل الله جهاد در راه خدا است بدون اختلاف بین فقهاء و نزد اصحاب با جمیع مصالح مسلمین داخل در " سبیل الله " است و این قول ابن عمر و عطا و بلخی است "

و همین معنی را مرحوم سید محمد مولف مدارک الاحکام ۲ / ۲۸۴ و مرحوم فاضل جواد در آیات الاحکام ج ۲ / ۳۹ و سبزواری در ذخیره / ۳۹ و بالاخره مرحوم صاحب جواهر ج ۱۵ / ۳۸۶ و .. اختیار می کنند .

جمع میان دو نظریه

در این میان برخی از فقهاء نیز جمع بین این دو نظر کرده و اینگونه نظر داده‌اند که مصرف اصلی "سبیل الله" جهاد است ولیکن جایز است در مصالح عمومی نیز مصرف گردد (به غنیه ابن زهره ص ۵۶۸ مراجعه کنید)

همین اختلاف نظر در منابع درآمدی بیت المال و مشخص نبودن آن چه بسا باعث اختلاف دیگری گردیده است به این ترتیب که در تشخیص معنای بیت المال و حقیقت آن در میان فقهاء چه بسا تردید پیدا شده تا آنجا که محقق کرکی دو نظر در حقیقت بیت المال ابراز کرده یکی اینکه معنای بیت المال را توسعه داده و مراد از آنرا بیت المال یعنی فئی و انفال دانسته است (فوائد الشرایع کرکی / ۱۱۰) و دیگری اینکه مراد از بیت المال ممکن است همان سهم سبیل الله باشد که در قرآن آیه ۶۰ سوره توبه یکی از موارد مالیات زکات می باشد ولیکن مرحوم سید محمدجواد حسینی عاملی در ج ۶ مفتاح الکرامه در باب لقطه عبارتی دارد که از آن استفاده می‌شود که سهم سبیل الله داخل در بیت المال نیست (مراجعه کنید)

و نظیر این تردید برای محقق اردبیلی نیز واقع شده تا آنجا که در ذیل روایت^۱ ابوبکر حضرمی از امام صادق (ع) که برای شیعیان حقی در بیت المال می شناسد ایشان چنین اظهار نظر می کند: "لیس فیها دلالة اصلا الا علی جواز اعطاء مال من بیت المال الیدی هو لمصالح المستحقین من الشیعه... یعنی "روایت ابوبکر حضرمی دلالت ندارد که شیعیان بخصوص حقی در بیت المال دارند بلکه این روایت تنها دلالت می کند که جایز است از بیت المال که برای مصالح مستحقین شیعه قرار داده شده و شیعیان نیز در موارد خاصی از قبیل نذر یا وصیت برآنان قرار داده که همگان از آن حق خواهند داشت.^۲

چنانکه سابقا دیدید که شیخ طوسی صریحا فتوی داده است که مخارج نظامی جامعه اسلامی و تهیه سلاح و غیرآن از بیت المال از سهم مصالح عمومی جامعه اسلامی تامین می گردد هم چنانکه پرداخت مالی دولت اسلامی نیز از همین سهم پرداخت می گردد و منابع اصلی بیت المال نیز درآمد اراضی مفتوح عنوة و سهم

۱- وسائل الشیعه ج ۱۲ / ۱۵۷ حدیث ۶ و در ذیل این روایت چنین وارد است

" اما علم ان لك فی بیت المال نصیبا "

۲- الحدائق الناضرة فی الاحکام العترة الطاهرة تألیف مرحوم بحرانی متوفای ۱۱۸۶

سبیل الله از مصارف زکات می باشد و مرحوم راوندی نیز در فقه القرآن ج ۱/ ۳۵۰ بعد از بیان این مطلب که آنچه از بلاد شرک به غنیمت آورده می شود بعد از خارج کردن خمس ، بقیه آن اگر از قبیل زمین و اشیائی مثل باغ و بستان و غیر آن دو از اشیائی که قابل انتقال بجائی نیستند مال همه مسلمین است یعنی داخل در بیت المال می باشد و درآمد آن مربوط به بیت المال است عبارت ایشان اینگونه است " ... فالارضون والعقارات لجميع المسلمين " " یعنی اراضی و اشیاء غیر قابل انتقال ملک مشترک جمیع مسلمین است "

گرچه کلام ایشان در اینجا در دلالت بر اینکه اراضی مفتوح عنوه جز بیت المال است صراحت ندارد ولیکن در ص ۲۵۱ همان کتاب صریحا می نویسد که اراضی مفتوح عنوه داخل در بیت المال است " فان لم یکن نقله فهو لبیت المال " یعنی " اگر اشیاء غنیمتی از کفار قابل انتقال نباشد (مثل اراضی مفتوح عنوه و غیر آن) داخل در بیت المال می باشد .

ممکن است مراد ایشان از اینکه اراضی مفتوح عنوه جز بیت المال است این باشد که خراج و درآمد آن در بیت المال مصرف می گردد و گرنه اراضی مفتوح عنوه ملک مشترک مسلمانان است .

و شاید مراد مرحوم بحرانی در حدائق ج ۱۸ / ۲۵۵ که می فرماید: هیچ یک از اموالی که امام عادل یا ستمکار از مردم می گیرد داخل در مصالح عمومی اسلام نیست جز خراج و مقاسمه " این باشد که به عقیده ایشان تنها خراج اراضی مفتوح عنوه و مقاسمه داخل در مصالح عمومی بوده و برای مصارف عموم مصرف می گردند چنانکه عقیده مرحوم ابن دریس در سرائر نیز در مورد خراج همین است که امام آنرا در بیت المال مسلمین قرار می دهد تا در مصالح آنان مصرف گردد .

نتیجه مطالب گذشته در مورد بیت المال در حقیقت همان نظری است که شهید اول در قواعد خود ج ۱ / ۱۸۳ می نویسد که ظاهر کلمات فقها شیعیان است که وجوه بیت المال منحصر باموالی است که با عنوان خراج و مقاسمه از اراضی مفتوح عنوه گرفته می شود و می توان سهم سبیل الله را نیز بر آن اضافه کرد و چنین گفت که اموالی که بصورت فی و انفال در فقه شیعه ملک دولت اسلامی یعنی امام وقت با اضافه فی مسلمانان و سهم مصالح مسلمین مجموعا منابع مالی بیت المال را تشکیل می دهند .